



شهادت میرزا علی آقا ثقه الاسلام تبریزی و هفت از مجاهدین به دست قوای متجاوز روس

میرزا علی در سال 1236 ه.ش در شهر تبریز چشم به جهان گشود، هنوز کودکی بیش نبود، که از آغوش پر مهر مادر محروم گشت، سالهای خوش کودکی‌اش با ناملایمات روزگار و بی‌مهری نامادری سپری شد، تا اینکه با فوت نامادری و ورود زنی پارسا و مؤمنه به منزل حاج میرزا آقا موسی، علی طعم خوش زندگی را چشید.

او پس از آموختن مقدمات علوم ادبی وفقه و اصول به کشور عراق مهاجرت کرد، و در محضر اساتید گرانقدری همچون «آخوند ملاحسین فاضل اردکانی»، «شیخ زین‌العابدین مازندرانی حائری»، و ... کسب فیض نمود، او همچنین معارف الهی و توحید را نزد پدر بزرگ خود «میرزا شفیق ثقه‌الاسلام» به پایان رساند. وی در سال 1267 به ایران بازگشت، و پس از فوت پدر کارهای او را بر عهده گرفت، و خود در مسجد صاحب الزمان (عج) به عنوان امام جماعت فعالیتش را آغاز نمود و به عنوان مرجع تقلید به هدایت مردم پرداخت، ثقه‌الاسلام تبریزی به زبانهای عربی، فرانسوی، ترکی تسلط کامل داشت و در رشته‌های مثنوی شناسی، کتاب شناسی، نجوم، تاریخ ادبیات، و ... زیاتر تخصص و عام بود.

ثقه‌الاسلام تبریزی در اوج مبارزات مردم ایران بر علیه روسیه و پادشاهان قاجار رهبری مسلمانان تبریز را بر عهده گرفت، و برای مدتی در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف مردم زادگاهش به مجلس راه یافت، مرحوم **ثقه الاسلام** شهید به علت نفوذ منصور در جامعه در حل اختلاف بین اعضای انجمن ایالتی آذربایجان کوشید و انشعاب و اختلاف مشروطه خواهان را برطرف نمود. در سال 1326 قمری همکاری خود را با انجمن ایالتی آذربایجان شروع نمود و پیوسته اعضای انجمن از تدریجاً منع می‌کرد. مرحوم **ثقه الاسلام** شهید با نگرانی شدید از لشکرکشی نیروهای روسیه و خطر محاصره و تجاوز به آذربایجان همراه سیدالمتممین و شیخ محمد خیابانی و میرزا حسین واعظ بیدار عین الدوله رفتند ولی سودی نبخشید. روسهای مهاجم مجاهدان را خلع سلاح نموده و عین الدوله به تهران بازگشت.

این روحانی بزرگوار شدیداً به کنسول روس اعتراض کرد و در این بین سلحشوران تبریز آذربایجان که از فجاج روسها بستوه آمده بودند به فتوای شرعی **ثقه الاسلام** و فرمان رسمی والی تبریز (زمان اله میرزا ضیاءالدوله) حمله به سپاهیان بیگانه را در اول محرم 1330 قمری آغاز کردند. روسها چون شکست خود را نزدیک دیدند نیرنگی بکار برده تقاضای نیروی کمکی نمودند و با سپاه تازه نفسی در 5 محرم 1330 شهر تبریز را تصرف نمودند. عده ای از بزرگان شهر به **ثقه الاسلام** پیشنهاد کردند که شهر را ترک کند ولی وی جواب داد من کار خود را به خدا واگذار کردم و مردم شهر را تنها نگذاشت.

روسها در 7 محرم 1330 بازداشت مبارزان را آغاز نموده و شخص **ثقه الاسلام** شهید را با حيله و تزویر بازداشت و پس از دو روز شکنجه و محاکمه سرانجام در روز دهم دی‌ماه ظهر عاشورای 1330 قمری در میدان مشق (سالن سخنرانی دانشسرای پسران امروزی) این مبارزه راه استقلال را همراه شخی سلیم، ضیاءالعلماء، حاج محمدقلی خان، صادق الملک ابراهیم ففقایچی و حسن و قدیر پسران علی مسیو بدار آویختند و جسد این شهید وارسته را در محوطه گورستان سرخاب که اکنون مقبره الشعراي تبریز است به خاک سپردند. روحش شاد.